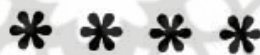


جعفر سبحانی

هدایتها و ضلالت‌های الهی و آزادی انسان



انسان با مراجعه به وجدان خود این حقیقت را درک می‌کند که از نوعی آزادی و حق انتخاب در تصمیم‌گیری‌های خود برخوردار است و از طرف دیگر پس از آشنائی با جهان‌بینی الهی، به حقیقت دیگری اذعان می‌نماید و آن اینکه آفریدگار هستی، نه تنها انسان بلکه هیچ پدیده‌ای را عبث و بیهوده نیافریده است. آنگاه با آشنائی با معارف قرآن و روایات اسلامی درمی‌یابد که هدف آفرینش انسان، رشد و تعالی معنوی و سیر به سوی ارزشهای جاویدان و کمال مطلق و بی‌نهایت خدا می‌باشد، و برای فراهم شدن شرائط لازم و زمینه مناسب برای نیل انسان به این آرمان متعالی، پیامبران الهی با قوانین آسمانی از جانب خداوند مبعوث گردیده‌اند که با سعی و کوشش فوق‌العاده به راهنمایی بشر پردازند. با توجه به این دو اصل:

۱- آزادی و حق انتخاب برای انسان یک واقعیت وجدانی است.

۲- بعثت پیامبران و قوانین الهی، در جهت هدایت انسان به سوی ارزشهای متعالی و

جاودان می‌باشد.

اندیشه جبر به بهانه اینکه برخی از آیات قرآن، هدایت و ضلالت انسانها را امری بیرون از اختیار آنان می‌داند، و این خداوند است که به صورت اضطرار و جبر برخی را هدایت و برخی دیگر را اضلال می‌نماید، اندیشه ناآزموده و بی‌مایه‌ای بیش نیست، زیرا باید همه آیات مربوط به هدایت و ضلالت را جمع‌آوری نموده و یک جا مورد مطالعه قرار داد تا بتوان نظریه نهائی قرآن را در این باره به دست آورد، زیرا قرآن خود مفسر خود می‌باشد و معنی آیات مبهم را باید از آیات روشن بدست آورد، از آنجا که قرآن از هرگونه تناقض گوئی و اختلاف میرا است^۱ و همه آیات آن در بیان معانی و مقاصد مورد نظر قرآن، همگون و هماهنگ می‌باشند؛ به طور قطع آنچه گاهی در برخورد ابتدائی با بعضی از آیات به عنوان مشکل خودنمایی می‌کند، پس از مطالعه همه آیات مربوط به آن موضوع، حل می‌گردد. اکنون قبل از هر چیز، مجموع آیات هدایت و ضلالت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا بتوانیم نظر واقعی قرآن را دربارهٔ اختیاری بودن هدایت و ضلالت، یا اجباری بودن آن به دست آوریم.

لازم به یادآوری است که ما هرگز مدعی آن نیستیم که در این مطالعه و بررسی، همهٔ جهات را مراعات نموده‌ایم و یا کار خود را خالی از هرگونه نقص و نارسائی می‌دانیم، لکن در حد توان و فرصتی که داشته‌ایم اهتمام لازم را بکار بسته‌ایم. حال برای هموار شدن راه برای بحثهای بعدی خود، آیات مربوط به هدایت و ضلالت را بصورت یاد شدهٔ زیر، دسته‌بندی می‌کنیم:

- ۱ - انواع هدایت و ضلالت در قرآن
 - ۲ - هدایت یافتگان و عوامل هدایت آنان
 - ۳ - گمراهان و عوامل گمراهی آنان
 - ۴ - بررسی و تفسیر آیات و روایاتی که هدایت و ضلالت انسان را وابسته به مشیت و ارادهٔ الهی می‌داند.
- ناگفته نماند که موضوع اخیر، خود به عناوین و موضوعات چندی تقسیم می‌شود که در بحثهای آینده، آنها را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

.....

۱ - أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء/۸۲).

۲ - اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا..... (زمر/۲۳).

الف - انواع هدایت در قرآن

نخستین مسأله ای که باید در بحث هدایت و ضلالت مورد بررسی قرار گیرد، انواع هدایتها از دیدگاه قرآن است تا روشن شود ضلالت و گمراهی که از اختیاری بودن آن بحث می‌شود، در مقابل کدامیک از این هدایت‌ها می‌باشد.

واژه هدایت در قرآن به معانی یادشده در زیر به کار رفته است:

۱ - هدایت تکوینی مربوط به سراسر گیتی

۲ - هدایت فطری مربوط به همه انسانها

۳ - هدایت تشریحی

۴ - هدایت تکوینی خاص

اینک آیات مربوط به هر یک از این هدایتها را یادآور شده و به بررسی و تفسیر آنها

می‌پردازیم:

□ ۱ - هدایت تکوینی در سراسر گیتی

این نوع از هدایت، همه پدیده‌های عالم طبیعت را شامل می‌شود و اختصاص به انسان ندارد و تبیین فلسفی آن این است که آفریدگار هستی، هر پدیده‌ای را برای غرض و هدف خاصی آفریده است و هیچ موجودی بدون هدف معین و ویژه‌ای آفریده نشده است چنانکه می‌فرماید:

مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا (ص/ ۲۷)

آسمان و زمین و آنچه میان آنها است را بیهوده و باطل نیافریده‌ایم.

زیرا یکی از صفات جمال و کمال خدا حکمت است (در بسیاری از آیات قرآن، خداوند به نام حکیم توصیف شده است)^۳ و معلوم است که فاعل حکیم، هیچ فعلی را بدون غرض و بیهوده انجام نمی‌دهد.

از طرف دیگر برای رسیدن به هدف، برنامه و راه ویژه‌ای لازم است تا هر پدیده‌ای بتواند به هدفی که برای آن آفریده شده است نائل گردد، و بر این اساس، همه موجودات (جمادات، نباتات، حیوانات و انسانها) از یک هدایت تکوینی گسترده‌ای که راه حیات و

.....

۳ - إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (لقمان/ ۲۷) وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (سبأ/ ۱) وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور/ ۵۹) و آیات

بسیار دیگر.

زندگی و حرکت به سوی هدف را برای آنان تعیین نموده است، برخوردارند. این هدایت در مورد انسان از دو جنبه باید مطالعه شود:

* ۱ - از بعد فیزیکی و جسمانی وجودی او، که هر یک از قوای بدنی او به صورت خود کار و بیرون از دائره اختیار انسان، کار ویژه خود را انجام می دهد (مانند طپش قلب و کارهای مربوط به دستگاه گوارش و غیره).

* ۲ - از بعد روحی و فطری او که در آینده به تفصیل در این باره بحث خواهیم

کرد.

و اینک آیات مربوط به این نوع هدایت:

الف - وقتی موسی و هارون، فرعون را به پرستش آفریدگار یکتا دعوت نمودند، فرعون به آنان گفت: پروردگار شما کیست؟ (قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى) آنان در پاسخ چنین فرمودند:

رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه/۵۰).

پروردگار ما (خدائی که ما او را می پرستیم) کسی است که هستی هر پدیده ای را به او اعطاء کرده و سپس او را هدایت نموده است.

ب - سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى - الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى - الَّذِي قَدَّرَ فَنَهَدَى (اعلیٰ / ۱-۳).

آفریدگار برتر خود را تسبیح کن آنکه (هر موجودی را) آفرید و سپس آن را بیمار است و آن که (هستی هر موجودی را) اندازه گیری نمود و سپس آن را (به سوی هدف آفرینش خود) هدایت نمود.

هدایت در آیات یاد شده اختصاص به پدیده ای خاص ندارد و هر چیزی که مخلوق و آفریده خداست (همه موجودات) مشمول آن می باشد و از این جهت آن را هدایت تکوینی عام نام نهادیم و معلوم است که این هدایت از قلمرو اختیار انسان بیرون است و به هیچ موجودی جز آفریدگار یکتا اسناد داده نمی شود و اصولاً از دائره بحث جبر و اختیار بیرون می باشد.

□ ۲ - هدایت فطری همه انسانها

هدایت فطری انسان به دو صورت تحقق می یابد:

هدایت فکری: که آفریدگار حکیم به انسان، نیروی تفکر و اندیشه، اعطاء کرده است تا بتواند خوبی ها را از بدی ها و ارزشها را از ضد ارزشها تمییز دهد، این نوع از هدایت شامل همه انسانها است (به جز عده اندکی که به عللی، عقب افتادگی فکری دارند و طبعاً تکلیفی نیز ندارند) و به کسی جز خدا اسناد داده نمی شود و از قلمرو مسأله جبر و اختیار

بیرون است.

هدایت وجدانی و درونی: که غالباً در اصطلاح به آن هدایت فطری گویند و مقصود از آن این است که انسان از درون و وجدان خود، میان خوبی ها و بدی ها تمییز می‌دهد. دادگری، شکرگزاری نعمت، وفای به عهد و پیمان، راستگویی و نظائر آنرا کارهای شایسته و از ارزشهای متعالی می‌شمارد و ستمگری، کفران نعمت، پیمان شکنی، دروغگویی و امثال آن را کارهای ناپسند و ضد ارزش می‌داند.

سخن معروف پیامبر (ص) که هر کودکی بر فطرت پاک خدا پرستی و گرایش به اسلام به دنیا می‌آید لکن پدر و مادر او (به خاطر تربیت ناصحیح) وی را یهودی یا نصرانی می‌گردانند.^۴ به همین مطالب اشاره دارد.

و نیز این آیه شریفه که می‌فرماید: به سوی آئین حنیف اسلام روی آور که هماهنگ با فطرت انسانها است که خداوند آنان را بر اساس آن آفریده است،^۵ ناظر به مطالب یاد شده است. و از جمله آیات قرآن که به روشنی از هدایت فطری گزارش می‌دهد این آیه است:

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا — فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس ۷/۸۷).

سوگند به نفس (انسانی) و آنچه او را بیاراست، سپس پلیدها و پاکی ها را به او الهام کرد. البته همه انسانها از این هدایت فطری برخوردارند و این نوع از هدایت نیز از قلمرو اختیار انسان بیرون است و تنها به خدا اسناد داده می‌شود و ربطی به مسأله جبر و اختیار نیز ندارد و هیچ انسانی نیز نسبت به این هدایت، اضلال نمی‌گردد اگر چه ممکن است از آن بطور صحیح بهره‌گیری ننمایند.

□ ۳ — هدایت تشریحی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقصود از هدایت تشریحی برانگیختن و ارسال پیامبران به سوی بشر می‌باشد که در طول تاریخ بشر پیوسته از جانب خداوند، برترین و لایقترین افراد بشر، به عنوان رسول یا نبی برای راهنمایی و هدایت انسانها مبعوث گردیده‌اند، و هدف آنان دعوت انسانها به یکتا پرستی و رهائی از بردگی و بندگی طاغوت (شیطان، مستکبران و امیال نفسانی) بوده است، چنانکه می‌فرماید:

.....

۴ — كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يُهَدِّدَانَهُ وَيُنَصِّرَانَهُ (بحار الانوار ج ۳ ص ۲۸۱).

۵ — فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا... (روم ۳۰).

لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلَاةَ (نحل/۳۶).

در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم که خدا را پرستند و از پرستش طاغوت^۶ اجتناب ورزند. البته نیاز به این نوع هدایت برای رسیدن به هدف، ضروری است زیرا درست است که آرمانهای کمال، ریشه فطری دارند و همانگونه که در بخش هدایت فطری یادآور شدیم وجدان یا بعد ملکوتی وجود انسان او را به سوی این آرمانهای متعالی دعوت می‌کند، لکن چون در برابر این کششها، کششهای متقابل نیز وجود دارد و شیاطین بشری و یا غیر بشری یا بعد ملکی و یا حیوانی انسان در نقطه مقابل آن قرار دارد، او را به سوی تباهی و زیر پا گذاشتن ارزشهای متعالی سوق می‌دهند. اعزاز پیامبران و منادیان خوبی‌ها و ارزشهای متعالی، لازم و ضروری است، زیرا در غیر این صورت، زمینه کافی برای رشد و تعالی انسان و حرکت به سوی هدف والای آفریدگار حکیم که برای آن آفریده شده است، فراهم نمی‌گردد، به همین جهت در اصطلاح متکلمان اسلامی وجود پیامبر و امام در اجتماعات بشری به عنوان لطف امری لازم و ضروری تلقی گردیده است و بهترین تعبیر در این باره، جملات زیبا و رسایی از حضرت علی (ع) در نهج البلاغه است، آنجا که هدف بعثت پیامبران را یادآور شده و چنین می‌فرماید:

خداوند رسولان و پیامبران خود را در میان انسانها برگزید، تا پیمان فطری انسانها را تجدید نمایند، و نعمتهای فراموش شده الهی را برای آنان یادآور شوند، و روش‌های صحیح تبلیغی را به آنان بازگو کنند و گنجینه‌های افکار و اندیشه‌های آنان را برانگیزند، و نشانه‌های قدرت خداوند را در آفرینش انسان و کیهان به آنان بنمایانند.^۷

این کلام بسیار زیبا و بخصوص این دو جمله: *لَيْسَتْ دُورُهُمْ مِثْلَ فِطْرَتِهِ وَيَبْرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ* گویای این مطالب است که هدایت تشریحی مکمل و متمم هدایت فطری است.

البته باید توجه داشت که هدایت تشریحی در قرآن از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که با هدایت فطری، قابل مقایسه نیست و این به خاطر آن است که:

اولاً قلمرو هدایت فطری نسبت به هدایت تشریحی محدود است، زیرا بسیاری از

.....

۶ - هر تجاوزگر و هر آنچه غیر از خدا مورد پرستش قرار گیرد و آنچه انسان را از راه خیر باز دارد طاغوت نامیده می‌شود (مفردات راغب).

۷ - *فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لَيْسَتْ دُورُهُمْ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُهُمْ مَنِيَّتِي نِعْمَتِهِ وَتَخْتَجُّوا عَلَيْهِمُ بِالْبَلْبَلِ، وَيَبْرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ، وَيُزَوِّجُهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ...* (نهج البلاغه خطبه ۱)

بایستی ها و نبایستی ها و دستورات تعالی بخش در ابعاد مختلف زندگی انسان، از افق هدایت فطری برتر است.

و ثانیاً اگر هدایت تشریحی نباشد، هدایت فطری بدون پشتوانه خواهد بود و در مقابل عوامل مختلف گمراهی که از درون و بیرون، انسان را به ضلالت سوق می‌دهد، فروغی نخواهد داشت.

آیات درباره هدایت تشریحی بسیار است، و در یک کلمه باید گفت: همه آیاتی که درباره پیامبران و کتب آسمانی نازل شده است، مربوط به این نوع از هدایت است، بنابراین هدایت دو مصداق دارد:

۱ - پیامبران و رهبران الهی

۲ - قرآن و دیگر کتب آسمانی

درباره پیامبر اسلام می‌فرماید: وَمَا مَتَّعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ (اسراء آیه ۹۴ و کف آیه ۵۵).

چه مانع شده است که مردم وقتی هدایت (پیامبر) به سوی آنان آمد، به او ایمان آورند؟ و درباره تورات فرموده است: وَأَتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (اسراء آیه ۲).

و برای موسی کتاب (تورات) را آوردیم و آن را هدایت برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

درباره قرآن می‌فرماید: وَأَنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (نمل آیه ۷۷).

و به درستی که قرآن هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

هدایت تشریحی نیز مانند هدایت فطری، عمومیت و کلیت داشته و اختصاص به گروه خاصی از انسانها ندارد. هر یک از پیامبران در جامعه‌ای که برانگیخته می‌شدند همه افراد آن جامعه را هدایت می‌کردند. وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد/۷) و پیامبر و معجزه جاوید او قرآن، هدایت گر همه انسانها است.

هدایت تشریحی که به معنی نشان دادن راه وصول به هدف والائی که برای انسان در نظر گرفته شده است، از قلمرو اختیار انسان بیرون می‌باشد، و این اراده و مشیت حکیمانه خداست که فکر و اندیشه، و وجدان و فطرت پیامبران و کتب آسمانی را، هادیان و راهنمایان بشر به راه راست قرار داده است ولی هدف از هدایت تشریحی آنگاه برآورده می‌شود که انسان حق انتخاب و آزادی در تصمیم‌گیری در مقابل این هادیان را داشته باشد در غیر اینصورت کاری بیهوده و لغومی باشد که با اصل حکیم بودن آفریدگار یکتا سازگار

نیست.

□ ۴ - هدایت ویژه تکوینی

گذشته از اقسام یاد شده هدایت، نوع دیگری از هدایت در قرآن مطرح شده است که ما آن را هدایت ویژه تکوینی نام نهاده ایم این هدایت نیز دو شاخه دارد:

* ۱ - هدایت تکوینی پیامبران

* ۲ - هدایت تکوینی ویژه مؤمنان

ما در این جا با نوع دیگری از هدایت آشنا می شویم که به گروهی مربوط می باشد و در اینجا برخی از آیاتی که درباره این نوع هدایت ویژه، نازل گردیده است را یاد آور می شویم.

هدایت تکوینی ویژه پیامبران

پیامبران و رهبران الهی از نوعی هدایت برخوردارند که از ویژگی های آنان بشمار می رود که گاهی با واژه نعمت و گاهی با کلمه اجتناب و هدایت و نیز با واژه رفع درجات (بلند مرتبگی) از آن تعبیر آورده شده است.

درباره ابراهیم خلیل آنجا که مناظره او را با پرستشگران خورشید و ماه و ستاره بازگو می کند چنین می فرماید:

تِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

(انعام/۸۳).

این حجت ما است که بر علیه قوم ابراهیم به او دادیم، درجات هر کس را که بخواهیم بالا می بریم بدرستی که پروردگار تو حکیم و دانا است.

و در جای دیگر درباره او می فرماید:

شَاكِرًا لِّأَنْعَمِيهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نحل آیه ۱۲۱).

ابراهیم، شکرگزار نعمتهای الهی است خداوند او را برای خود خالص گردانیده و به راه راست

هدایت نموده است.

واژه اجتناب و هدایت درباره بسیاری از پیامبران که در قرآن از آنها یاد شده به کار

رفته است که از آن جمله: آدم، نوح، موسی، عیسی، یونس و یوسف را می‌توان نام برد.^۸
 پیامبران و رهبران الهی یکی از برترین نمونه‌های نعمت داده شدگان (أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) می‌باشند این مطالب نیز در آیاتی از قرآن باز گوشده است.
 در سورهٔ مریم نام گروهی از پیامبران را با ویژگی‌های اخلاقی آنان یادآور شده
 آنگاه که می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ (مریم/۵۸).

آنان عده‌ای از پیامبران می‌باشند که خداوند به آنان انعام نموده است.
 اگرچه با مطالعه آیات یاد شده، مسألهٔ هدایت و یژهٔ پیامبران و رهبران الهی از دیدگاه
 قرآن به روشنی به دست می‌آید، ولی برای روشن تر شدن این مسأله، ترجمهٔ چند آیه از سوره
 انعام را که از گویاترین و جامع‌ترین آیات قرآن در این باره می‌باشد یادآور می‌شویم:
 □ و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم عطا کردیم و هر یک از آنان را هدایت نمودیم و
 قبل از آنان، نوح را هدایت کردیم و از ذریه و خاندان نوح، داود و سلیمان و ایوب و یوسف
 و موسی و هارون را هدایت نمودیم و این گونه نیکوکاران (محسنین) را پاداش می‌دهیم.
 □ و ذکریا و یحیی و عیسی و الیاس را (هدایت نمودیم) و هر یک از آنان از
 صالحان و شایستگان می‌باشند.
 □ و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را هدایت کردیم و هر یک از پیامبران را بر
 جهانیان برتری دادیم.

□ و از پدران و فرزندان و برادران آنان عده‌ای را هدایت کرده و برتری بخشیدیم.
 □ و این پیامبران را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم.
 □ این است هدایت الهی که هر کس از بندگان خود را که بخواهد به واسطهٔ آن
 راهنمایی می‌نماید و اگر آنان به خدا شرک ورزند، کارهای نیکشان حبط می‌گردد!
 در این آیات، تعبیراتی به کار رفته است که مسألهٔ هدایت و یژهٔ پیامبران و رهبران
 برگزیده الهی را به روشنی بیان می‌نماید این تعبیرات عبارتند از:

* ۱ - وَ كَلَّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ.

هر یک از پیامبران را بر جهانیان برتری دادیم.

.....

۸ - به آیات ۱۲۲ / طه - ۵۰ / قلم - ۶ / یوسف - ۱۳ / شوری رجوع فرمائید.

۹ - انعام آیه ۸۴ - ۸۸.

* ۲ - وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

پیامبران را برگزیدیم و به صراط مستقیم هدایت، نمودیم.

* ۳ - ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ.

این هدایت خاص الهی است که هر کس را بخواهد به واسطه آن هدایت می‌نماید.

مسأله هدایت تکوینی ویژه پیامبران و رهبران برگزیده خدا (امامان)، یکی از مسائل مهمی است که پیوسته در بحث‌های نبوت و امامت به عنوان عصمت پیامبر و امام، مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده است و رساله‌ها و کتابهایی در این باره، نگارش یافته است و چون بررسی آن از حوصله این مقاله بیرون است، از طرح آن صرف نظر می‌نمایم.

هدایت تکوینی ویژه مؤمنان

دومین شاخه از هدایت تکوینی ویژه، هدایتی است که تنها گروهی از انسانها از آن برخوردارند و دیگران را از آن بهره‌ای نیست و مسأله واقعی ما در بحث هدایت و ضلالت مربوط به همین نوع از هدایتها و ضلالتها می‌باشد و این همان هدایتی است که در مقابل واژه ضلالت به کار می‌رود، و در بسیاری از آیات، آن را مربوط به اراده و خواست خدا دانسته است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و در برخی از آیات، خطاب به پیامبر می‌گوید: إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ آخَبْتَّ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (قصص آیه ۵۶).

تو کسانی را که دوست داری هدایت شوند، هدایت نمی‌کنی، لکن خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و او به هدایت یافتگان داناتر است.

و در جای دیگر می‌فرماید:

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (بقره/۲۷۲)

بر تو هدایت آنان نیست، خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند.

در قرآن نوعی دیگر از هدایت ویژه مؤمنان، مطرح شده است که مربوط به سرای دیگر می‌باشد و در حقیقت، این هدایت جلوه‌ای دیگر از هدایت ویژه آنان در دنیا است و به عبارت دیگر بازتاب هدایت ویژه دنیوی آنان، این هدایت آخروی است که در پرتو آن به سوی بهشت و رضوان الهی رهنمون می‌گردند.

قرآن کریم، سخن اهل بهشت را این گونه حکایت می‌کند:

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ (اعراف/۴۳)

و (اهل بهشت) می‌گویند ستایش خدای را که ما را به این جایگاه ویژه (بهشت) هدایت کرد و اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌شدیم.

امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند، روز قیامت ستمگران را از سرای کرامت خود گمراه می‌سازد و مؤمنان و نیکوکاران را به بهشت، هدایت می‌کند آنگاه این دو آیه را تلاوت نمود:

۱ - يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ^{۱۰} (ابراهیم/۲۷).

۲ - إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ^{۱۱} (یونس / ۹).

مقصود از این هدایت ویژه چیست؟

این هدایت را می‌توان نوعی تحوّل و دگرگونی روحی و درونی به شمار آورد که خداوند تحت شرایط ویژه‌ای در وجود انسان پدید می‌آورد که بواسطه آن زمینه دریافت کمالات اخلاقی و معنوی برای او فراهم می‌گردد. قرآن کریم این هدایت را با عناوین گوناگونی تعریف نموده است که نمونه‌هایی از آن را در اینجا یاد آور می‌شویم:

۱ - شرح صدر

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ (انعام/۱۲۵).

خداوند کسی را که بخواهد هدایت نماید، سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده و آماده می‌سازد.

در نقطه مقابل از ضلالت با عنوان (ضیق صدر) تنگی سینه تعبیر آورده است.

وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا.

.....

۱۰ - خداوند کسانی را که به گفتار ثابت و استوار ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در سرای آخرت

ثابت قدم و استوار می‌دارد و ستمگران را گمراه می‌سازد و خدا آنچه می‌خواهد انجام می‌دهد.

۱۱ - خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند به واسطه ایمانشان بسوی بهشت

هدایت می‌نماید.

و آن کس را که بخواهد گمراه نماید سینه اش را (نسبت به اسلام) تنگ می‌سازد (و در نتیجه، قبول حقائق برای او دشوار و گران است).

و در جای دیگر در مقابل شرح صدر، قساوت قلب را بیان کرده می‌فرماید:
آیا کسی که خدا سینه او را برای پذیرش اسلام فراخ نموده و نوری الهی روان او را روشن ساخته است (مانند کسی است که این گونه نیست و دلی تاریک و سخت دارد) پس وای بر آنان که دل‌هایشان از پذیرش ذکر خدا (قرآن) سخت گردیده، آنان در گمراهی آشکاری باشند!^{۱۲}

۲ - زندگی پاکیزه (حیاء طيبة)

وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (نحل/۹۷)

هر انسانی مرد یا زن که به خدا ایمان آورده و عمل صالح انجام دهد، حیات طیبه و زندگی پاکیزه ای به او عطا می‌کنیم.

۳ - روح و نور الهی

أَوْمِنْ كَانَ قَبِيحًا فَآخِينَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا (انعام/۱۲۲).

آیا کسی که به خاطر (جهالت و ضلالت) مرده بود پس او را (بواسطه ایمان و بصیرت) زنده نمودیم و برای او نوری قرار دادیم که در پرتو آن در جامعه انسانی راه صحیح را برگزیند مانند کسی است که در تاریکی به سر می‌برد و از آن خارج نمی‌گردد؟

۴ - نرمش و آرامش جسم و جان

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشِرُ مِنْهُ جُلُودٌ أَلْدَيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (زمر/۲۳).

خداوند نیکوترین کلام قرآن را که کتابی است هم آهنگ و مفاد آن متکرر در تعلیم و تربیت انسانها فرو فرستاده است که (از مطالعه آیات عذاب آن) اندام کسانی که از خدای می‌ترسند به لرزه در می‌آید و (از مطالعه آیات رحمت و مغفرت) دل‌های آنان به یاد خدا، آرامش می‌یابد و این (لرزش و آرامش جسم و جان) هدایت خاص الهی است که هر کس را بخواهد به واسطه آن هدایت می‌نماید.

.....

۱۲ - زمر/۲۲ - أَقْسَمُ بِمَا نَزَّلْنَا بِالْقُرْآنِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّي قَوْلٌ لَلنَّاسِ لِقَائِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

بقیه در صفحه ۴۵

نورعلم، دوره سوم شماره سوم

ب- واسطه فیض در تشریح است آن چنان که واسطه فیض در تکوین نیز هست.

ج- جهان هستی به واسطه او بر محور حضرت حق می چرخد و او بدون واسطه وظیفه خود را انجام می دهد.

د- انسانها به واسطه او قرب الهی را حاصل می کنند و او بدون واسطه.

ه- همه باید او را محور قرار دهند و او نیز خدا را.

و- به واسطه او انسانهای مطیع فرمان او، خلعت حق می پوشند و آلا اهل دوزخ و باطل خواهند بود.



بقیه از صفحه ۳۶

از آیات یاد شده به خوبی به دست می آید که مؤمنان از هدایت ویژه ای برخوردارند که حلوه های شاخص آن، آرامش قلب، شرح صدر، روشن بینی و نور می باشد.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت با معانی مختلف هدایت از دیدگاه قرآن آشنا گشتیم و دانستیم که تنها نوع اخیر آن که آن را هدایت ویژه مؤمنان نام نهادیم، مورد بحث در هدایت و ضلالت می باشد و این نوع هدایت و ضلالت است که یکی از انگیزه های عقیده جبر به شمار می رود و طرفداران نظریه جبر، آن را صددرصد وابسته به خواست و اراده خدا می دانند و ظاهر برخی از آیات قرآن نیز هماهنگ با این نظریه است و ما برای روشن شدن نظریه واقعی قرآن در این باره، لازم است در مقاله آینده پیرامون دو موضوع زیر بحث کنیم.

۱- هدایت یافتگان و عوامل هدایت آنان

۲- گمراهان و عوامل گمراهی آنان

آنگاه به بررسی آیاتی که هدایت و ضلالت را منوط به مشیت الهی می دانند،

بپردازیم.